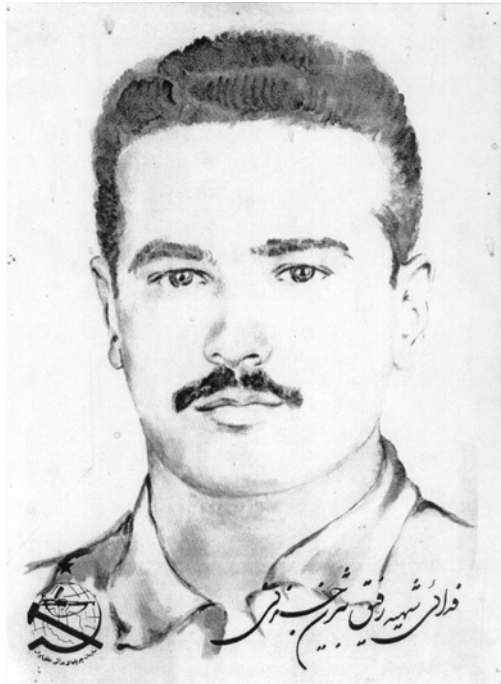


## فدایی خلق بیژن جزنی

۱۳۱۶-۱۳۵۴



بیژن در سال ۱۳۱۶ در تهران متولد شد. ۱۰ ساله بود که به عضویت سازمان جوانان درآمد. با وجود آن که شرایط سنی عضویت حداقل ۱۳ سال بود اما به علت فعالیت و علاقه چشم گیر چند نوجوان کمتر از ۱۳ سال، حوزه مخصوصی برایشان تشکیل شد و بیژن یکی از افراد این حوزه بود. در ۱۵ بهمن ۱۳۲۷ و ترور محمدرضا شاه، یورش به سازمان های حزبی آغاز گردید با تصویب نامه هیات وزیران حزب توده غیرقانونی اعلام شد. فعالیت های مخفی بیژن در سن خیلی پایین آغاز می گردد. وی به عنوان رابط بین کادرهای مخفی، فعالیت خستگی ناپذیری را شروع و کمک های پرارزشی را به سازمان جوانان عرضه نمود.

بیژن سال های ۲۹ تا ۱۳۳۲ را به فعالیت های مخفی سازمانی از

یک سو و فعالیت های علنی در سطح دانش آموزان ادامه می دهد. وی به آموزش های تئوریک خود در این دوران غنا بخشید ولی کودتای ۲۸ مرداد زندگی مخفی و روابط محدودتر را به او و دیگر مبارزان تحمیل نمود. خانه او و دایی هایش مورد یورش اوباشان قرار گرفت و اقداماتی برای به آتش کشیدن آن صورت گرفت. در این دوره بحث هایی پیرامون مشی در میان فعالین حزبی درگیر شده بود و بیژن و رفقای نزدیکش از اتخاذ روش های قاطع و قهرآمیز پشتیبانی می کردند. بیژن و رفقای مبارزه درون حزبی را شروع کردند. آن ها با تحلیل درست از وضع نیروها در قبل از کودتا و نقش نیروها در انقلاب دموکراتیک ایران اشتباهات حزب را بازگو می کردند. چند ماهی از کودتا نگذشته بود که بیژن بازداشت گردید. با وجود بدست آمدن مدارکی مبنی بر فعالیت های وی به علت صغر سن و به هم ریختگی دستگاه های نظامی و بالاخره نفوذ افسران توده ای در دادرسی ارتش، پس از چند هفته آزاد می گردد. چند ماه بعد یعنی در اردیبهشت ماه ۱۳۳۳ مجدداً بازداشت می شود. در پاییز ۱۳۳۳ باردیگر بازداشت و به ۶ ماه زندان محکوم می گردد. در بهار ۱۳۳۴ آزاد و فعالیت های خود را پی می گیرد. به خاطر وضعیت بد معیشتی خانواده از آن جا که بیژن به نقاشی علاقه داشت در یک موسسه تبلیغاتی استخدام می گردد و شب ها به ادامه تحصیل می پردازد. در همین سال ها با برخی از رفقای از جمله محمد چوپان زاده در تدارک تشکیل گروهی برمی آید.

در فروردین ۱۳۳۸ اولین نشریه گروه به صورت پلی کپی با دستگاه دست ساز منتشر می گردد. بیژن در تنظیم مقالات و خط مشی نشریه نقش بااهمیتی پیدا می کند. در پاییز ۱۳۳۸ با لو رفتن گروه و دستگیری یکی از اعضای گروه انتشار مرتب نشریه متوقف می گردد و تصمیم براین می شود که به مناسبت های مختلف اعلامیه هایی صادر گردد.

در تدارکات جنبش ۲۰ دی ماه گروه فعالانه شرکت می کند و اعلامیه هایی نوشته و توزیع می گردد. رفیق سعید کلانتری در همین رابطه دستگیر می گردد اما کوچک ترین ضربه ای به گروه منتقل نمی گردد.

در بهار ۱۳۳۹ گروه تصمیم می گیرد که در فعالیت های جبهه ملی شرکت نماید. در این دوره بیژن در رشته فلسفه در دانشگاه تهران مشغول به تحصیل بود. وی به عنوان مسئول فعالیت های علنی و دموکراتیک در کادر مرکزی گروه انتخاب می گردد و اعضای کادر مخفی نیز موظف می شوند که به هیچ وجه در فعالیت های علنی شرکت نکنند.

بیژن در فاصله سال های ۱۳۳۹ تا ۱۳۴۲ بارها طعم زندان را می چشد. آخرین باری که بیژن در رابطه با فعالیت های دانشجویی بازداشت می گردد سال ۱۳۴۴ است. در دادگاه نظامی همراه با اعضای کمیته دانشگاه تهران که دیگر از جبهه ملی جدا شده بود به ۹ ماه زندان محکوم می شود.

در سال ۱۳۴۲ با عنوان شاگرد اول رشته فلسفه فارغ التحصیل می شود و رساله پایانی دانشکده اش به نام « نیروهای انقلاب مشروطیت » یکی از آثار باارزش تحقیقاتی در تاریخ معاصر ایران است. پی از آن برای کسب دکترای فلسفه در دانشگاه تهران به تحصیلات خود ادامه می دهد.

در فروردین ماه ۱۳۴۲ با توجه به اتخاذ خط مشی جدیدی که گروه به آن رسیده بود ، گروه به عنوان یک سازمان سیاسی - نظامی فعالیتش وارد فاز نوینی می گردد. بیژن و ۳ رفیق دیگر در کادر مرکزی آن انتخاب می گردند. در این دوره نیز مسئولیت فعالیت های علنی به عهده بیژن قرار داشت. در پاییز ۱۳۴۶ به مناسبت مرگ تختی یکی از بزرگ ترین مبارزات بیرونی انجام می گردد که در سازماندهی آن گروه نقش معینی داشته است. تدارک مبارزه مسلحانه در دستور کار گروه قرار می گیرد و برای تامین سلاح همراه با رفیق سورکی در حالی که اسلحه ای با خود داشتند به دام پلیس می افتند. بیژن تحت شدیدترین شکنجه ها قرار می گیرد ولی او چون کوهی استوار مقاومت می کند. دادستان نظامی ابتدا برای بیژن و ۷ رفیق دیگر تقاضای حکم اعدام می کند و نهایتاً به ۱۵ سال زندان محکوم می شود.

بیژن تا فروردین ۱۳۴۸ در زندان قصر بود. به دنبال فرار نافرجام رفقاییش به زندان قم تبعید می گردد و پس از رستاخیز سیاهکل به اوین منتقل و تحت شکنجه قرار می گیرد. محاکمه مجدد او به دلیل فشارهای بین المللی منتفی می گردد ولی هم چنان شکنجه و آزار او ادامه می یابد. با وجود حساسیت ویژه پلیس ، بیژن در دوره زندان در زمینه غنابخشیدن به تئوری انقلابی و هدایت سازمان گام های باارزشی بر می دارد که در مجموعه مقالاتی که از زندان به بیرون داده می شود آن را شاهدیم. این مطالب در هدایت سیاسی - نظری و تشکیلاتی سازمان نقش ویژه ای پیدا می کند.

در اواسط اسفندماه ۱۳۵۳ به زندان اوین برده می شود و در ۳۰ فروردین ۱۳۵۴ همراه با ۶ نفر از رفقای گروه و ۲ نفر از زندانیان مجاهد در تپه های اوین تیرباران می گردد. **یادشان گرامی باد !**